

## تحلیلی بر روابط ژئوکالچری ایران و پاکستان با تأکید بر مذهب شیعه

حسن باویر

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

حجت مهکویی<sup>۱</sup>

گروه جغرافیای سیاسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

مهری اذانی

گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

مهدی مؤمنی

گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۲۰

### چکیده

ایران و پاکستان دارای اشتراکات فرهنگی فراوانی‌اند. روابط ایران و پاکستان ریشه در تاریخ کهن دو کشور دارد. وجود عوامل متعدد نظیر تاریخ، شباهات فرهنگی و رسوم مشترک، جغرافیای سرزمینی و ... گویای علائق و روابط فرهنگی مستحکم دو کشور است. یکی از مهمترین بخش‌های ارتباط فرهنگی دو کشور حول محور دین و مذهب شکل گرفته است. روشن است که اسلام-گرایی جنبه مشترکی است که توانسته زمینه تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی را فراهم آورد و هم‌اکنون نیروی الزام‌آور و اصلی بین دو کشور اسلام است. اشتراک مذهبی در درجه اول ناشی از اسلام و در درجه بعد، تشیع اصلی‌ترین امری است که زمینه‌ساز ارتباط دو جامعه ایران و پاکستان بوده است. تشیع و وجود برخی گرایش‌های خاص در میان اهل تسنن به ویژه آن دسته از گرایش‌های سنی‌گرایانه که تعلق خاطر بیشتری به اهل بیت (ع) دارند توانسته است زمینه اشتراک و تأثیرپذیری بیشتری را ایجاد کند. لذا به توجه به اهمیت موضوع، نگارنده گان در این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای، با طرح سؤال "مذهب شیعه چه تأثیری بر روابط ژئوکالچری ایران و پاکستان دارد؟" درصدد تحلیل روابط ژئوکالچری ایران و پاکستان با تأکید بر مذهب شیعه برآمده است.

واژگان کلیدی: ژئوکالچر، ایران، پاکستان، مذهب شیعه، روابط

## مقدمه

در آغاز دوران اثرگذاری تفاوت‌های تمدنی\_فرهنگی، بر شکل‌گیریهای سیاسی جهان در رقابت‌های قدرتی جدید، مفهوم پردازی ژئوکالچر مطرح شده است ((Mohammadi and Ahmadi,2015:87). ژئوکالچر یا ژئوپولیتیک فرهنگی فرایند پیچیده‌ای از تعاملات قدرت، فرهنگ و محیط جغرافیایی است که طی آن فرهنگ و ایدئولوژی‌ها همچون سایر پدیده‌های نظام اجتماعی همواره در حال شکل‌گیری، تکامل، آمیزش و جابجایی در جریان زمان و در بستر محیط جغرافیایی اند. به عبارت دیگر ژئوکالچر ترکیبی از فرایندهای مکانی فضایی قدرت فرهنگی میان بازیگران متنوع و متعددی است که در لایه‌های مختلف اجتماعی و در عرصه محیطی به نقش‌آفرینی پرداخته و در تعامل یا رقابت با یکدیگر به سر می‌برند و بر اثر همین تعامل مداوم است که در هر زمان چشم‌انداز فرهنگی ویژه‌ای خلق می‌شود ((Zaki et al,2016:332). انقلاب اسلامی ایران مهم‌ترین جرقه‌ی خیزش و تقویت شیعه را به وجود آورد و شیعیان در کشورهای مختلف منطقه، ایران را مأمونی برای خود تصور می‌کردند ((Khalili et al,2013:106). پس از انقلاب ایران و تشکیل دولت شیعی، پروسه هویت‌یابی شیعیان در منطقه آغاز شد. این شیعیان که تا آن زمان مورد ستم حاکمان سنی قرار داشتند، احساس کردند که از این به بعد، پشتیبانی محکم برای آنان وجود خواهد داشت و لذا، با استفاده از این موقعیت، علاوه بر احساس همدلی با انقلاب ایران، سعی در نزدیکی به جمهوری اسلامی نمودند. این شیعیان در برخی از کشورها از اکثریت جمعیتی برخوردار بودند و در برخی از آنان در اقلیت قرار داشتند، اما اقلیتی که می‌توانست سهمی تأثیرگذار در امور سیاسی و اجتماعی داشته باشد. جمهوری اسلامی نیز با درک این مطلب و با استفاده از عقلانیت دولتی خود، به گسترش حوزه نفوذ خود در این شیعیان پرداخت ((Naderi,2016:135).

پاکستان نیز به عنوان همسایه بزرگ شرقی ایران کشوری بود که با سرعت از گسترش و عمق انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفت و جریان ریشه‌دار احیای اسلامی به ویژه در میان شیعیان، آشکارا خود را نشان داد ((Mohammadi and Ahmadi,2016:137). نفوذ و قدرت غیررسمی و غیردولتی تشیع به عنوان بستری برای اعمال قدرت نرم در پاکستان خود را نشان داده است، به گونه‌ای که عناصر برون سیستمی در پاکستان در پی آن هستند که جهت‌دهی خشونت علیه شیعیان این کشور را در راستای اهداف راهبردی منطقه‌ای خود تقویت کنند و از آن بهره بگیرند ((Jamali Rad,2009:133-144). شیعیان پاکستان بیش از سایر گروه‌ها از انقلاب اسلامی ایران تأثیر پذیرفتند و به ایران و به عنوان یک حامی و یک الگوی مبارزه نجات بخش نگاه می‌کنند ((Mahkoei and Bavir,2016:208). خودآگاهی، هویت‌جویی و تقویت رفتار مذهبی شیعیان، رشد مطالبات سیاسی، نهادسازی و شکل‌گیری تشکل و حزب سیاسی و نقش‌آفرینی شیعیان در سیاست این کشور تا حدود زیادی ناشی از تأثیرات انقلاب ایران بود ((Kamran et al,2013:70). دو کشور ایران و پاکستان دارای اشتراکات فرهنگی فراوانی اند که مهمترین بخش ارتباط فرهنگی دو کشور حول دین و مذهب است. اشتراک مذهبی در درجه اول ناشی از اسلام و در درجه بعد تشیع اصلی‌ترین امری است که زمینه‌ساز ارتباط دو جامعه ایران و پاکستان بوده است ((Pishgahi Fard and Ghodsi,2008:85).

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای انجام یافته است. اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای از طریق مراجعه به کتب، مجلات علمی و پژوهشی، مقالات و سایت‌های اینترنتی گردآوری شده است. مطالعات کتابخانه‌ای، به عنوان محور اصلی و اساسی در زمینه دسترسی به اطلاعات و منابع مورد نظر قرار گرفته است و سعی گردیده با فیش برداری از منابع مختلف و تأکید بر منابع مهم کتابخانه‌ای زمینه قوام‌یابی اطلاعات تحقیق بیشتر گردد. از این رو نگارنده‌گان در این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی درصدد تحلیل روابط ژئوکالچری ایران و پاکستان با تأکید بر مذهب شیعه بر آمده‌اند.

#### پیشینه تحقیق

سید عباس احمدی و الهام سادات موسوی (۱۳۸۹)، مقاله‌ای با عنوان جغرافیای شیعه و فرصت‌های ایران قلمروهای شیعی جهان اسلام به نگارش در آوردند. این مقاله نشان داد که جغرافیای شیعه فرصت‌های خوبی را در بخش‌های مختلف بویژه در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و آموزشی در اختیار ایران قرار داد، و ایران توانسته است که در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی تا حد زیادی از این فرصت‌ها بهره‌برداری کند. لذا بر این اساس نتیجه می‌گیرد که جای هیچ‌گونه تردیدی نیست که ایران در کانون جغرافیایی شیعیان قرار گرفته و به طور طبیعی می‌تواند این قلمرو فضایی مشخص را نمایندگی کند و در موقعیت رهبری قرار گیرد، بنابراین ایران بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ به طور طبیعی نقش آفرینی خود را برای پذیرش مسئولیت رهبری دنیای تشیع را آغاز کرد.

حجت مهکویی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان تبیین نقش مذهب از منظر ژئوپولیتیک در خاورمیانه؛ مطالعه موردی مذهب شیعه، به بیان ویژگی‌های ژئوپولیتیکی مذهب شیعه و گستره جغرافیایی پیروان این مذهب پرداخته است. از منظر ایشان ویژگی‌های قومی، مذهبی و زبانی درون کشورها، امروزه به عنوان عاملی به شمار می‌آید که می‌تواند در جهت تقویت ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عمل نماید. این پژوهشگر معتقد است که مذهب شیعه در کشورهای خاورمیانه به عنوان یک عامل پیوند دهنده می‌تواند یک فرصتی در تحولات فرا روی پیروان این مذهب با توجه به موقعیت ژئوپولیتیکی شیعیان در خاورمیانه مطرح و موجب قدرتمند شدن آنان شود.

مرتضی اشرفی (۱۳۹۱)، در کتابی با عنوان انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی در ۱۱۲ صفحه به رشته تحریر در آورد. در این نوشتار سعی شده است با توجه به ابعاد برون مرزی انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر سایر ملت‌های آزادی-خواه، به ارتباط انقلاب اسلامی ایران با بیداری اسلامی و جنبش‌ها به وجود آمده در برخی کشورهای اسلامی پرداخته شده و اثرپذیری این جنبش‌ها از انقلاب ایران مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نویسنده کتاب ابتدا تعریفی از جنبش و اصول و ارکان جنبش‌های اجتماعی ارائه نموده و سپس فرق میان جنبش با انقلاب، کودتا و اصلاحات و ویژگی‌های هر یک از آنها را بیان کرده است.

جمیل میلانی و محمد تقی اسماعیلی (۱۳۹۳)، مقاله‌ای با عنوان نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر پاکستان به نگارش در آوردند که ضمن بررسی این موضوع که انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری بر مسلمانان پاکستان گذاشته است به این پاسخ می‌رسند که با پیروزی و گسترش انقلاب اسلامی، مسلمانان پاکستان امیدوارتر از قبل و با تأسی از آموزه‌های اسلامی در راستای آزادی و استقلال گام برداشتند و شیعیان پاکستان بیش از سایر گروه‌ها از انقلاب ایران تأثیر پذیرفته و به ایران به عنوان یک حامی و الگوی مبارزه نجات بخش نگاه می‌کردند. لذا نتیجه

پژوهش نیز بیانگر این موضوع بوده است که انقلاب اسلامی ایران توانسته است که کشور پاکستان به طور اعم و شیعیان این کشور را به طور خاص، تحت تأثیر خود قرار دهد و مفهوم ارزش‌هایی چون تلاش برای آزادی و استقلال، زیربار ظلم نرفتن، مبارزه با استکبار و همدردی با مستضعفین را به ملت پاکستان و به خصوص شیعیان بیاموزد.

زهرآ پیشگاهی فرد، شهریار نصرتی و شهناز بازدار (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان ژئوپولیتیک شیعه و قلمروخواهی ایران در شرق مدیترانه به نگارش در آوردند. در این مقاله اشاره شده است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تحول در ساختار ژئوپولیتیک خاورمیانه، ایران نقش محوری در گستره جغرافیای شیعیان یافته و سرزمین‌های شیعه‌نشین شرق مدیترانه از اهمیت استراتژیک برخوردار گردید و همین موضوع توانسته است که در زمینه قلمروخواهی و گسترش علایق منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران نقش ایفاء کند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داده است که ایران در بهره‌مندی از موقعیت کانونی در محدوده ژئوپولیتیک شیعه و نقش مؤثر در تحولات منطقه سعی در گسترش حوزه نفوذ و قلمروخواهی در شرق مدیترانه دارد.

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده، پژوهش‌های انجام یافته عمدتاً به روابط میان ایران و پاکستان و یا به بررسی وضعیت شیعیان در خاورمیانه پرداخته‌اند؛ بنابراین به شکل جزئی و موردی و به طور خاص، این مقاله روابط ژئوکالچری ایران و پاکستان را با تأکید بر مذهب شیعه تحلیل کرده است که پژوهشی نو و جدید می‌باشد.

## مبانی نظری

### ژئوکالچر

ژئوکالچر مفهومی است که بر تحمیل الگوهای فرهنگی از سوی قدرت‌های هسته‌ای بر کشورهای پیرامون و نیمه-پیرامون با هدف زایل ساختن فرهنگ‌های بومی آنها اشاره دارد. در تصور والراشتاین<sup>۱</sup> از ژئوکالچر در دوران جدید، کشمکش‌های بین‌المللی دیگر صرفاً ابعاد نظامی ندارند بلکه، واجد ابعاد فرهنگی و معنوی نیز هستند (Vaezi, 2008: 33). ژئوکالچر به معنای اهمیت دادن به عناصری چون فرهنگ، زبان، قومیت و مذهب در کنار سایر عوامل ژئوپولیتیک است ((Roshan and Farhadian, 2006: 130). وجود پیشوند ژئو در اصطلاح ژئوکالچر، به طبیعت واحد، یکپارچه و به هم پیوسته سیاره زمین اشاره می‌کند. پس تحلیل ژئوکالچر مستلزم برخورداری از یک نگرش جهانی و سیاره‌ای به فرایندهای فرهنگی است (Zeinalabedin, 2012: 66).

### شیعه

شیعه یکی از دو از مذهب اصلی دین اسلام است. به لحاظ تاریخی، شیعیان اقلیتی از مسلمانان را تشکیل می‌دهند که زیر جور ظلم خلافت اموی و عباسی قرار گرفتند و به دلیل اعتقاد محکم خود به اصل امامت در جهان پراکنده شدند و با جابجایی و تکیه بر اصل تقیه و کتمان باورهای دینی خود، بقای تاریخی خود را تضمین کردند (Ahmadi, 2011: 11). شیعیان به عنوان یک اقلیت در مجموعه جهان اسلام، همواره در طول تاریخ به مثابه سیاسی اجتماعی در درون دولت‌های عربی باز تعریف شده و قرن‌ها به صورت «دگر» حساب شده‌ای سرکوب گردیده‌اند.

<sup>1</sup>. Immanuel Wallerstein

در واقع این جریان از ابتدای تاریخ اسلام از سوی بسیاری از رهبران سنی و به ویژه جریان افراطی جوامع اسلامی، به عنوان یک مسئله حل نشده در سیاست مسلمانان عرب به نمایش گذاشته و با رویکرد تردید آمیز به آنان نگرسته شده است. به گونه‌ای که بسیاری از حکومت‌های خاورمیانه نیز همواره در طول تاریخ ترجیح داده‌اند جمعیت شیعیان کشورشان را نادیده گرفته‌اند ((Zare and Ahmadi,2015:17)

### همگرایی

همگرایی به لحاظ مفهومی عبارتست از تقریب و نزدیک شدن افراد به سمت نقطه‌ای مشخص که معمولاً به عنوان هدف مشترک آنان شناخته می‌شود ((Hafez nia,2011:373). همگرایی فرایندی است که طی آن واحدهای سیاسی به طور داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدف‌های مشترک، صرف نظر کرده از یک قدرت فوق ملی پیروی می‌کنند. در این فرایند ملت‌ها از آرزو و قدرت هدایت مستقل سیاست خارجی و سیاست داخلی خود چشم پوشی کرده و در عوض می‌کوشند تا به اتخاذ تصمیماتی مشترک دست زده و یا وظیفه تصمیم‌گیری را به نهادهای مرکزی جدید تفویض کنند ((Yazdan panah and Bayat,2015:21).

### واگرایی

واگرایی فرایندی است به معنی تفکیک از همدیگر، دور شدن آنها از هدف مشترک و حرکت به سوی هدف‌های خاص و جدا که همگرایی و واگرایی در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی قابل بررسی است (Darvishi and Mozafari,2018:3). واگرایی به عنوان احساس جدایی بالقوه و بالفعل اقوام با تمام یا بخشی از عناصر تشکیل دهنده کشور است. به طوری که آنها به جای احساس تعلق به ملت، سرزمین و حکومت با عناصری مانند: زبان، سرزمین قومی و حتی کشورها و مناطق همسایه احساس تجانس ساختاری نموده و در پی ایجاد حکومتی بر آمده از هویت قومی خود یا الحاق به کشور همسایه هستند. واگرایی برحسب نوع هدف به درجات مختلفی قابل تقسیم است که از جمله آنها می‌توان واگرایی سیاسی، واگرایی سرزمینی و یا واگرایی شناور میان سیاسی و سرزمینی نام برد (Abdi, 2012:111).

### موقعیت شیعیان پاکستان

کشور پاکستان با وسعت ۸۳۰/۹۴۰ کیلومتر مربع یکی از کشورهای مهم آسیایی جنوبی است که همجواری آن با سه کشور بزرگ روسیه، چین و هند بر اهمیت ژئوپولیتیک آن افزوده است ((Safavi,2008:316). این کشور از لحاظ جمعیتی طبق سرشماری سال 2018 میلادی جمعیتی بالغ بر ۲۰۷۸۶۲۵۱۸ نفر دارد که ۱۵-۱۰ درصد از این جمعیت شیعیان هستند ([www.cia.gov](http://www.cia.gov)). این درصد از جمعیت شیعیان، با توجه به جمعیت کل پاکستان، کمتر از ۴۰ میلیون نفر را در بر می‌گیرد. البته شیعیان پاکستان تمرکز جغرافیایی ندارند و در سراسر سرزمین پاکستان پراکنده‌اند (Rafi, 2000: 200). البته به دلایل مختلف آمار و اطلاعات دقیقی از این پراکندگی جمعیتی وجود ندارد. اما مطمئناً بعد از ایران بیشترین تعداد شیعیان که به لحاظ سیاسی و فرهنگی قرابت زیادی هم با ایران دارند، در پاکستان زندگی می‌کنند ([www.mouood.org](http://www.mouood.org)). شیعیان بین تمام اقوام و نژادهای پاکستان حضور دارند و بخش عمده‌ای از جمعیت هر قوم، قبیله و شهری را تشکیل می‌دهند ((Jamali Rad,2009:131). بیشترین حجم شیعیان را در ایالت پنجاب که

مهمترین استان پاکستان به شمار می‌رود می‌توان مشاهده کرد. پس از آن ایالت در نواحی سند، کشمیر، سرحد، بلوچستان و مناطق شمال پاکستان نیز شیعیان زیادی زندگی می‌کنند. (Jafariarn,2010:606) پراکندگی جمعیتی شیعیان، مانع از حضور قدرتمندانه آنان در عرصه انتخاب و مشارکت سازمان یافته در دولت می‌شود (Arefi,2006:210).

### ژئوپولیتیک شیعه و روابط ایران و پاکستان

موقعیت بی‌نظیر ایران و قرار گرفتن در کانون جوامع شیعی با داشتن اکثریت جمعیت شیعه و قرار گرفتن شیعیان پاکستان در همسایگی ایران سرعت بخش امواج انقلاب اسلامی ایران در پاکستان را افزایش داد و از سوی دیگر شیعیان پاکستان به دلیل شرایطی که در آن قرار داشتند کاملاً پذیرای امواج انقلاب اسلامی ایران بودند. از نکات بارز و مشهود در تاریخ معاصر پاکستان، تحرک سیاسی شیعیان این کشور طی دهه‌های گذشته است. شیعیان پاکستان از اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی به تدریج با خروج از انزوا فعالانه وارد عرصه‌های اجتماعی و سیاسی شدند. این حرکت که در ابتدا به صورت اقدامات اعتراضی آغاز شد، سپس نهضت اجرای فقه جعفریه پاکستان به عنوان اولین تشکل فراگیر شیعیان به رهبری مفتی جعفر حسین شکل گرفت. به دنبال آن تشکل‌های دیگری به گونه‌ای فعال جهت تأمین هویت سیاسی متمایز برای شیعیان و اتفاق حقوق آنها در عرصه پاکستان به فعالیت پرداختند. شیعیان پاکستان که دارای اشتراکات فرهنگی، زبانی و مذهبی با ملت ایران هستند، در زمان وقوع انقلاب اسلامی در ایران به دلیل بی‌توجهی متوالی و مدید دولت‌های وقت نسبت به حقوق آنان، عدم هماهنگی و تشتت و پراکندگی در بین خود شیعیان و همچنین به دلیل فعالیت‌های اسلامی ساز توسط حکومت و تحمیل فقه حنفی بر آنان در وضعیت اسفباری قرار داشتند، به این ترتیب انقلاب اسلامی ایران نقطه‌ی عطفی در حیات سیاسی پاکستان تبدیل شد و موجب احیاء مجدد حیات اجتماعی شیعیان پاکستان گردید ((Kamran ea al,2013:59-71).

رابطه ایران و پاکستان برخاسته از دیدگاه و میراث مشترک فرهنگی و سیاسی دو کشور است که تاریخی طولانی دارد. با شکل‌گیری کشور پاکستان، ایران اولین کشوری بود که آنرا به رسمیت شناخت، بر همین اساس دو کشور روابط خود را در حوزه‌های مختلف گسترش دادند. یکی از عوامل مهم و استراتژیک که در تحلیل روابط ایران و پاکستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است نقش و جایگاه شیعیان پاکستان می‌باشد که نمی‌توان آن چشم پوشی کرد. لذا شیعه بودن بخش بزرگی از جمعیت پاکستان، اصلی‌ترین زمینه ارتباط میان دو جامعه ایران و پاکستان به شمار می‌آید که البته این اشتراکات فرهنگی و مذهبی برای مردم دو کشور نیز از اهمیت زیادی برخوردار است، که این موضوع پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تا حد زیادی تقویت شد ((Moosavi,2010:63-88).

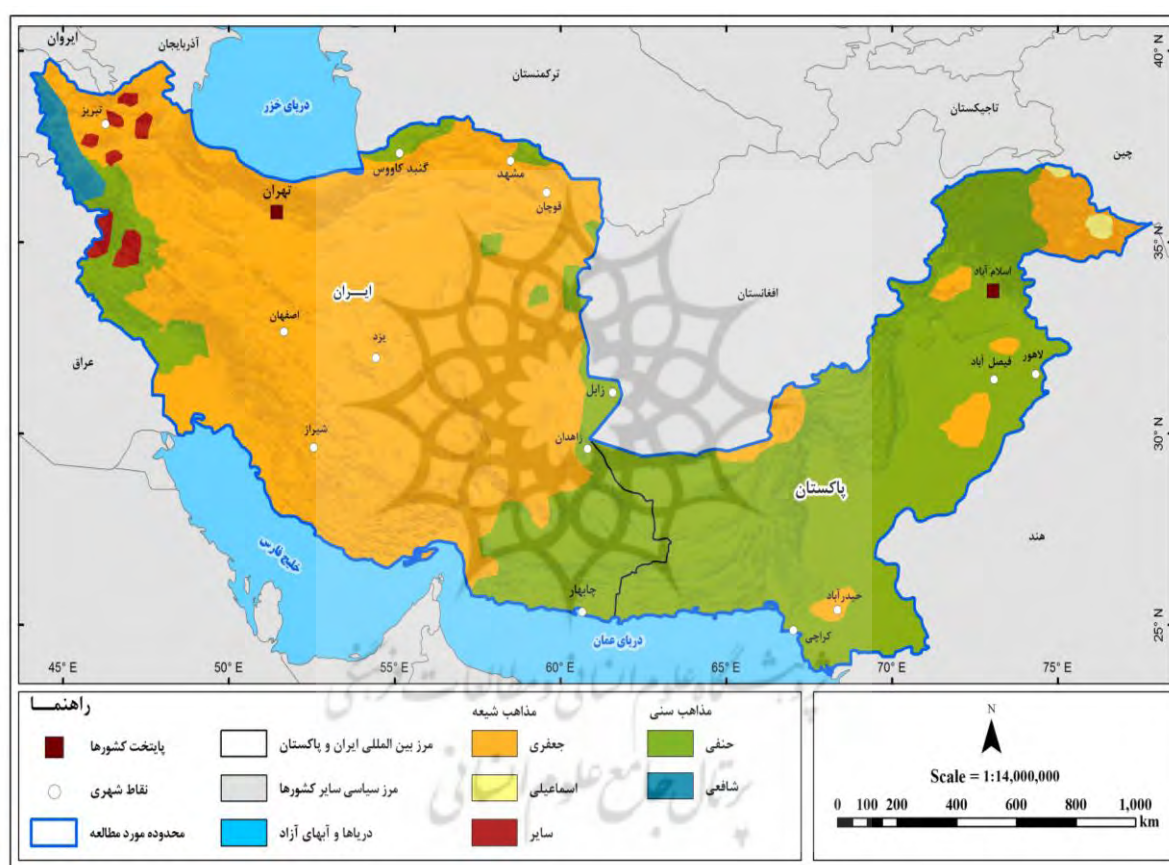
همان‌گونه که در نقشه (۱) نشان داده شد ۹۰ تا ۹۵٪ (www.cia.gov) از جمعیت بیش از ۸۳ میلیون نفری جمهوری اسلامی ایران را شیعیان تشکیل می‌دهند از این رو ایران به عنوان هارتلند تشیع محسوب می‌گردد ( Hafeznia and Ahmadi,2009:73).

به طور خلاصه می‌توان نقش شیعیان پاکستان در روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران را اینگونه بیان کرد:  
الف. از نظر جمعیتی، شیعیان پاکستان بالغ بر ۲۵ درصد مسلمان این کشور تشکیل داده‌اند، با توجه به پیشینه مبارزات و فعالیت‌های سیاسی آنان و همچنین نقش شیعیان در استقلال پاکستان، و نیز گرایش ایدئولوژیک آنان

نسبت به جمهوری اسلامی ایران، دولت پاکستان نمی‌تواند در روابط خود با جمهوری اسلامی ایران نقش آنان را نادیده بگیرد.

ب. امروزه نیز جمعیت شیعیان طرفدار ایران در پاکستان نقشی فعال در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی کشور پاکستان دارند و لذا اگرچه در دهه‌های اخیر رؤسای جمهور و نخست‌وزیران پاکستان از بین اهل سنت انتخاب شده‌اند اما شیعیان نیز توانسته‌اند در سطوح پایین‌تر بر رفتار سیاسی دولتمردان بویژه در رابطه با همسایگان تأثیر بگذارند.

ج. جمهوری اسلامی ایران توانسته است در سال‌های پس از انقلاب با فراهم کردن زمینه‌های تحصیل دانشجویان شیعه مذهب خارجی بویژه کشور پاکستان، در مراکز علمی و حوزوی میدان نفوذ خود را گسترش دهد (Mahkouii and Bavir, 2016:224).



Source: Drawing By Writers, 2018 نقشه (۱): پراکندگی شیعیان در کشورهای ایران و پاکستان

### یافته‌های تحقیق

### نقش عوامل همگرایی ژئوکالچری شیعیان ایران و پاکستان

#### قوم بلوچ

بلوچستان منطقه مرزی مشترک بین جمهوری اسلامی ایران و پاکستان است که ساکنین آن قوم بلوچ هستند که به لحاظ زبانی، قومی، فرهنگی و به طور سنتی شباهت دارند. براساس آخرین آمار رسمی که پاکستان و افغانستان ارائه داده‌اند حدود هفت میلیون بلوچ در پاکستان زندگی می‌کنند و تقریباً ششصد هزار نفر نیز ساکن افغانستان هستند؛ درحالی‌که جمعیت بلوچ در ایران نیز نزدیک به دو میلیون و پانصد هزار نفر برآورد شده است. از جمله دولت‌های

پسااستعماری هستند که اقوام مختلفی در آن ساکن هستند ((Kahrazah,2017:160). قوم بلوچ ایران و پاکستان در سه متغیر مذهب زبان و قومیت با یکدیگر تجانس دارند. ترکیب این سه متغیر همسو بر همگرایی دو بخش بلوچ‌نشین ایران و پاکستان تأثیر گذاشته است. (Hafeznia,2002:175). استقرار اقوام و قبیله‌ای بلوچ در فاصله مرزی‌های مشترک سه کشور ایران، افغانستان و پاکستان، به طور طبیعی باعث تفاهم و هماهنگی سه جانبه‌ای برای کنترل استراتژیک قلمرو بلوچ نشین شود. این هماهنگی همواره بین ایران و پاکستان وجود داشته است ( Zargar et al, 2012: 1179).

### زبان و ادب فارسی

از جمله عوامل بسیار مؤثر در روابط فرهنگی دو کشور ایران و پاکستان، زبان و ادب فارسی است، نفوذ این زبان و ادبیات به حدی است که سرود ملی پاکستان کاملاً فارسی است ((Hamidi and Ashragh gil,2016:143). در طول تاریخی بالغ بر هزار سال، میدان گسترده زبان و ادبیات فارسی بوده و هزاران شاعر و نویسنده به این زبان را در دامن خود پناه و پرورش داده است ((Haddade Adel,2014). فارسی در پاکستان یکی از مؤلفه‌های شاخص هویت فرهنگی و برهان وجودی این کشور است. دو کشور ایران و پاکستان دارای سابقه تاریخی و فرهنگی مشترک هستند و عنصر اصلی پیوند بین آنان مشترک بودن زبان فارسی و معارف ناب آن است ((Ferdos,2011:8).

### تشیع و ترویج علوم

تشیع در شبه قاره هند و پاکستان، سابقه‌ی طولانی و پیروان بسیاری دارد. حکومت‌های متعدد شیعی مذهب در این مناطق روی کار آمدند، مراکز بی‌شمار علمی و دینی شیعه تأسیس شد، و در پرتو فعالیت‌های علمی، مذهبی و سیاسی، تعداد کثیری از بزرگان شیعه تربیت یافتند و تحت سرپرستی آنان، کتاب‌های گرانقدری به رشته تحریر در آمد. بررسی و تحقیق در شبه‌قاره هند و پاکستان از آغاز اسلام تاکنون، به سبب نشیب و فرازهای این مذهب و به خصوص سیر تاریخ اسلام و کارهایی که به دست شیعیان انجام گرفته است، اهمیتی ویژه دارد؛ زیرا پیشرفت، ترویج و اشاعه تشیع و تصوف اسلامی علاوه بر دیگر عوامل، مرهون کوشش‌های علما، عرفا، مبلغان ایرانی و کتاب‌های فارسی است ((Rashidi and Shah ghale,2012:94).

### تأثیرات انقلاب اسلامی

جامعه شیعیان پاکستان، پس از ایران دومین جمعیت بزرگ شیعه دنیا را داراست. اقلیت شیعه پاکستان عمیقاً تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار گرفت. شیعیان ایرانی و پاکستانی از گذشته باهم در ارتباط بوده‌اند. نجف و قم محل مناسبی برای ارتباط روحانیون شیعی دیگر کشورها با روحانیون انقلابی ایران بود. روحانیون شیعی ایران و پاکستان به لحاظ تاریخی نیز بایکدیگر در پیوند بودند، اما پس از انقلاب اسلامی این پیوند ابعاد سیاسی هم یافت ( Ataei and Shahvand,2012:92). نقش و تأثیرگذاری عامل مذهب و ایدئولوژی هنگامی در مناسبات تهران- اسلام‌آباد مطرح شد که انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ در ایران به وقوع پیوست. انقلابی که با برقراری پیوندی ناگسستنی میان مذهب شیعه و سیاست در قابل نظام حکومتی جمهوری اسلامی و شکل‌گیری گفتمان اسلام‌گرایی انقلابی، نظام‌های مدرن سکولار را در سال‌های منتهی به پایان قرن بیستم به چالش طلبیده بود (<http://www.isrjournals.com>) پاکستان نیز



به عنوان همسایه بزرگ شرقی ایران کشوری بود که با سرعت از گسترش و عمق انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفت و جریان ریشه دار احیاء اسلامی به ویژه در میان شیعیان آشکارا خود را نشان داد ((Rafi, 2015:200).

### انقلاب اسلامی و خودباوری شیعیان پاکستان

شیعیان پاکستان قبل از انقلاب اسلامی ایران شیعه بودن خود را مخفی می‌کردند، بدلیل عدم آگاهی شیعیان از مکتب تشیع و خلاصه شدن فهم آنها از تشیع اثنی عشری در عزاداری‌ها باعث شده بود که شیعیان در محیط کار و اجتماع، مراکز آموزشی و دانشکده‌ها مورد تمسخر اطرافیان خود قرار گیرند. به دنبال انقلاب اسلامی ایران از یک سو ارتباط شیعیان پاکستان با حوزه‌های علمیه افزایش یافت و بدین ترتیب به طور نسبی آگاهی مذهبی عمیق‌تری پیدا کردند و از سوی دیگر اعتقاد به نفس لازم در آنها پدید آمد چون پیرو مکتبی هستند که رهبری مانند حضرت امام خمینی (ره) را پرورش داده که با الهام از تعالیم عالیّه تشیع و حضرت امام حسین (ع) کشور ایران را از یوغ استعمار و استبداد شاهی نجات بخشید و عزت و سربلندی به مسلمانان بخشید. بدنبال این تحرک جدید و خروج از انزوا بود که شیعیان به انسجام و سازماندهی نیروهای خود توجه کردند (Shahbazi, 1990: 1988-1989).

### مرجعیت و رهبری ایران

نهاد مرجعیت شیعه، یک نهاد هزار ساله است. ویژگی‌های اصلی این نهاد، یکی پذیرفتن اجتهاد است که شیعه در برابر اهل سنت باب اجتهاد را باز گذاشت و دوم استقلال از حکومت‌ها. ظهور انقلاب اسلامی در ایران و روی کار آمدن حکومت شیعی در این کشور، این فرصت را در اختیار اندیشه سیاسی شیعه قرار داد که بتواند الگوی ایدئولوژیکی خود را گسترش داده، از یک الگوی با تجربه که آزمون مبارزه سیاسی خود را در عرصه ملی و بین‌المللی پس داده است استفاده کند. شیعیان نیروهای اجتماعی در میان گروه‌های اسلام‌گرا در درون جوامع عربی محسوب می‌شوند که از یک سو با دارا بودن آموزه‌های آیینی و تحت تأثیر نهضت امام حسین (ع) و اسطوره‌های خود از انگیزه‌های انقلابی و عدالت‌گرایانه برخوردارند و از سوی دیگر به دلیل شرایط تبعیض‌آمیز سیاسی - اجتماعی در ساختار قدرت این کشورها، زمینه‌های باز تولید هویت جمعی آنان و تحول‌خواهی به منظور تغییر شرایط موجود به وضعیت مطلوب در میان آنان وجود دارد؛ بنابراین، این نیروها قابلیت دستیابی به موقعیت جدیدی در کشورهای اسلامی را دارند. بر این اساس، هویت‌یابی شیعیان ناشی از قابلیت‌های بالقوه فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیک آنان است، به‌خصوص که شیعیان در کشورهای خاورمیانه فاقد حقوق شهروندی مؤثر و مناسبی بوده‌اند و این امر سبب احساس بیگانگی اجتماعی و در نتیجه حاشیه‌ای شدن نیروهای سیاسی، قومی، زبانی و مذهبی می‌شود. در این شرایط، انقلاب اسلامی ایران با تشدید موج‌های هویت‌گرایی، هویت سیاسی شیعیان این منطقه را بارزتر کرده است و این شیعیان که اعتماد به نفس پیدا کرده‌اند، به محدودیت‌های سیاسی و موقعیت خود معترض بوده، در نتیجه به دنبال مقابله با این امر هستند. مجموعه این شرایط سبب شده است که افزایش سطح تعارض شیعیان سیاسی با نظام‌های سیاسی اقتدارگرا را بتوان در خیزش شیعیان در کلیه کشورهای منطقه مشاهده کرد (Javdani moghadam and Nasoorian, 2009:99-112).

## نقش عوامل واگرایی ژئوکالچر شیعیان ایران و پاکستان

مجموعه‌ای پیوسته از تعارضات ایدئولوژیک و سرزمینی، همگرایی ایران و پاکستان را تهدید می‌کند (Kaviani rad et al, 2017:21).

### منازعات شیعه و سنی

منازعات شیعه و سنی قبل از تأسیس کشور پاکستان، تقریباً امری ناشناخته بود. همچنین حکمرانی راجه‌ها در فاصله سالهای ۱۸۵۷ تا ۱۹۴۷ م بر شبه‌قاره، مانع مواجه شیعه و سنی شده بود. اما واکنش فرقه‌های سنی و دولت پاکستان به تأثیرات حاصل آمده از پیروزی انقلاب اسلامی در پاکستان، از یک طرف و با عکس‌العمل شدید عربستان سعودی، عراق و کویت از طرف دیگر، فضای حاکم بر جامعه را به شدت ملتهب نمود. در مجموع می‌توان چنین اظهار داشت که احیاء گرایش‌های سیاسی نزد شیعیان پاکستان، با واکنش افراطی رقبا و مخالفان روبرو شد که زمینه را برای ظهور و توسعه افراطگرایی هموار می‌ساخت. از سوی دیگر عربستان سعودی، عراق و کویت برای مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی ایران دست به حمایت از وهابیه و دیگر گروه‌های افراطی پاکستان زدند. آن‌ها به تأمین مالی مدارس دینی و سازمان‌های ستیزه‌گر سنی پرداختند. نصر معتقد است که دخالت عربستان سعودی و عراق باعث کشیده شدن جنگ ایران-عراق به پاکستان شد، چرا که هر یک از گروه‌های درگیر، تحت نفوذ حامیان خارجی خود بودند ((Ataei and Shahvand, 2012:92). ایران، حمایت پاکستان و عربستان از گروه‌های شبه‌نظامی سنی در خلال جنگ شوروی-افغانستان (۱۹۷۹-۸۹) و از طالبان در دهه ۱۹۹۰ را به عنوان اقداماتی در حمایت از گروه‌های ضد شیعی در منطقه ارزیابی کرد. در عین حال بسیاری از افراد در جوامع شیعی پاکستان بر این باورند که پروژه اسلامی کردن پاکستان در دوره ریاست جمهوری ضیاءالحق (۱۹۷۷-۸۸) در واقع راهکاری برای سنی کردن بیشتر جامعه و سیاست این کشور بوده است ((Simbar et al, 2016:80).

### نقش عربستان سعودی

پاکستان به دو دلیل فقر فرهنگی و نفوذ روحانیون متعصب و مخالف شیعه، از عمده‌ترین مراکز تبلیغ وهابیت در میان کشورهای اسلامی است. گروه‌های پاکستانی وهابی مذهب، گاه به صورت حزب سیاسی، با نفوذ در دولت و گاه به صورت گروه‌های فرقه‌گرای تروریستی و گاه به صورت حزب سیاسی با نفوذ در دولت و گاه به صورت گروه‌های فرقه‌گرای تروریستی و گاه به صورت فعالیت فرهنگی عمل می‌کنند. سفارت و نمایندگی‌های عربستان-سعودی در پاکستان همواره از گروه‌های فرقه‌گرا و مخالف شیعیان، حمایت کرده است. این کشور علاوه بر ساخت مساجد، دانشگاه‌ها و مدارس مذهبی، مراکز تبلیغاتی متعددی ایجاد کرده است. هدف اصلی این مراکز، تبلیغ اندیشه وهابیت و مبارزه ایدئولوژیک با شیعیان است ((Masood nia and Najafi, 2011: 104). عربستان سعودی به انحای مختلف به دنبال نفوذ در پاکستان جهت مقابله با شیعیان و ایجاد مانع جهت نفوذ ایران در این کشور بوده است. در این خصوص در خلال سال‌های ۱۹۸۶-۱۹۸۹ عربستان سعودی و آمریکا حدود ۳٫۵ میلیارد دلار در اختیار دولت پاکستان گذاشتند که جهاد افغانستان را رونق بخشید. قسمت قابل توجهی از عملیات گروهبان سازمان سیا برای آزادسازی افغانستان از اشغال روس‌ها، تأسیس مدارس دینی در پاکستان بود تا طلاب آموزش دیده در

این مدارس به مبارزین یا جهادیون در افغانستان تبدیل شوند و در مقابل شوروی سابق بجنگند. این مدارس مذهبی در اولین گام، جهاد با کفار را آموزش می‌دادند تا طلاب خود را آماده جنگ با کفار کمونیست کنند؛ اما با توجه به ماهیت استادان این مدارس که اکثر قریب به اتفاق آنها تحصیل کردگان آموزشگاه‌های افراطی عربستان-سعودی بودند، چاشنی دروس آنان آموزش عدم بردباری مذهبی و کافر و مشرک پنداشتن هر که، جز پیرو مکتب سلفی و وهابی، بود. می‌توان گفت کمک‌های مالی کشورهای حوزه خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی به راحتی وارد پاکستان می‌شود و به توسعه و گسترش مدارس دینی در این کشور اختصاص می‌یابد (Bagheri, 2014: 158). طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ میلادی نیز حملات کور گروه‌های افراط‌گرا و تندروی مورد حمایت عربستان سعودی در پاکستان به شیعیان روابط دو کشور را بیش از پیش سردتر و تیره‌تر کرد گروه‌های فرقه‌گرا و تندرو به بسیاری از مساجد و مراکز شیعه در سراسر پاکستان حمله کردند و بسیاری از شیعیان را قتل عام کردند خشم جمهوری اسلامی ایران به دلیل فعالیت گروه‌های تندرو و فرقه‌گرایی مورد حمایت عربستان سعودی در خاک پاکستان بود اما این خشم گاهی باعث تنش بین اسلام‌آباد و تهران نیز می‌شد و ایران پاکستان را به انجام ندادن اقدام قاطع علیه تروریست‌ها متهم می‌کرد (<http://www.Irna.ir>).

#### افراطی‌گری مذهبی و تنش‌های ایدئولوژیک

افراطی‌گری، نوعی رفتار خشونت‌گرای هدفمند است که پشتوانه بسیار قوی هویتی و ایدئولوژیک دارد و مهم‌ترین و آن صدمه زدن به دیگران است ((Jamali, 2011: 11-12). افراطی‌گری مبتنی بر مذهب است، اما مذهب افراط‌گراها همان مذهب عموم مردم نیست. این مذهب بنا به مقاصد سیاسی دستکاری شده و خصلتی آرمانی پیدا کرده است. افراط‌گراها قصد دارند با تسلط بر دولت‌ها، آموزه‌ها و قوانین مورد نظر خود را در همه ارکان و شئون جامعه جاری کنند. بر این اساس آنها از ترور مانند ابزاری برای گسترش دادن بنیادگرایی بهره می‌گیرند. از نظر عرصه فعالیت با اندکی تأمل می‌توان عرصه فعالیت توان اذعان داشت که پاکستان به عنوان بهشت تروریست‌ها در جهان شناخته می‌شود و احتمالاً نقش این کشور در آینده از این حیث افزایش پیدا کند (Rahimi, 2013: 177). به طور کلی تجربیات تاریخی نشانگر آن است که گروه‌های افراطی فعال در پاکستان دارای انواع ظرفیت‌های تهدیدزا علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران هستند (Ghafoori and davand, 2015: 42).

در یک دسته‌بندی، گروه‌های ضدشیعی و ضد ایرانی، در پاکستان این گونه‌اند:

**دیوبندی‌ها:** دیوبندی‌ها اگرچه مقلد ابوحنیفه هستند و در معاملات طبق فقه او عمل می‌کنند اما در اندیشه و طرز تفکر به افکار محمد بن عبدالوهاب قرابت زیادی دارند. بیشتر گروه‌های تروریستی پاکستان شاخه‌ای از دیوبندی‌ها هستند که مسلمانان دیگر را کافر می‌شمرند و آنان را مهدورالدم می‌دانند. بمب‌گذاری‌ها، ترورها و جنایات دیگری که در این کشور انجام می‌شود، توسط این گروه‌ها صورت می‌گیرد. گروه‌های افراطی مانند سپاه صحابه و لشکر جهنگوی در پاکستان، خود را به دیوبندی‌ها منتسب می‌کنند. گفتنی است در استان سیستان و بلوچستان و جنوب خراسان بیش از ۹۰ درصد اهل سنت پیرو این مکتب هستند. دیوبندی‌ها حال حاضر نماینده دین رسمی در پاکستان محسوب می‌شود و طرفداران این مکتب در این کشور روزبه‌روز در حال افزایش‌اند. مبلغان دیوبندی اکنون به بیش

از یک میلیون رسیده‌اند و به عنوان پرچم‌داران اهل حدیث و سلفی‌گری در هند و پاکستان شناخته می‌شوند (Mohammadi and Ahmadi,2017:312).

**طالبان:** به ادعای طالبان، شیعیان بدعت‌گذارانی هستند که می‌توان آنان را برای عقاید مذهبی‌شان آزار داد. این رویکرد، خواه و ناخواه، ایران را به عنوان بزرگ‌ترین کشور شیعی جهان به چالش می‌خواند. به تعبیر الیویه روی، همگان ایران را پدرخوانده شیعیان در جهان می‌دانند. از اهداف گروه‌های افراطی مانند القاعده و طالبان، نابودی شیعیان است. به اعتقاد آنها بعد از نابودی غرب، شیعیان باید نابود شوند (Sajadpoor and Karimi, 2011:249). از جمله جنایات طالبان می‌توان به جهاد ۱۳۷۷ و تشکیل اجلاس پیشاور اشاره کرد که طی آن ۱۶۰ نفر از مفتی‌های وهابی فتوایی صادر کردند مبنی بر اینکه همه مردان و پسران بالای هفت سال شیعه باید کشته شوند. سرانجام در روز دوشنبه ۱۳۷۷/۷/۱۵ زنان، مردان و کودکان شهر مزار شریف از روی پشت بام‌ها به رگبار بسته شدند و حتی بیماران و زخمیان را روی تخت بیمارستان را به شهادت رساندند (Mohammadi and Ahmadi,2015:157).

**سپاه صحابه:** ظهور نیروهای ضد شیعی از جمله سپاه صحابه و اهل حدیث، به دلیل مقابله با نفوذ ایران در منطقه به وجود آمدند. این گروه تاکنون فعالیت‌های خشونت بار زیادی مانند حمله به عزاداری‌ها، مراکز فرهنگی، ترور افراد و شخصیت‌های مهم شیعه انجام داده است. در ابتدا حملات تروریستی این حزب بیشتر متوجه اعضای نهضت جعفری بود. اما در سال‌های اخیر، سیاستمداران، حقوق دانان، بازرگانان، کارمندان و مدیران دولتی شیعه مذهب را نیز آماج حملات تروریستی خود قرار داده است از جمله اقدامات سپاه صحابه علیه ایران، ترور صادق گنجی مسئول خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در لاهور و محمدعلی رحیمی سرپرست خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در مولتان است (Mohammadi and Ahmadi,2017:313).

**لشکر جهنگوی:** برخی مدعی هستند که لشکر جهنگوی به وسیله رهبران سپاه صحابه، به عنوان یک شاخه نظامی فعال و جدا از جناح‌های سیاسی تأسیس شد تا از طریق ادامه اقدامات خشونت بار فرقه‌ای به پیشبرد اهداف سیاسی سپاه صحابه کمک کند. لشکر جهنگوی اهداف خود را بدین شرح اعلام داشته است: ایجاد پاکستان سنی مذهب از طریق روش‌های خشونت آمیز. ترویج و اعلام نامسلمانی شیعیان و از میان برداشتن پیروان دیگر ادیان به ویژه یهودیان، مسیحیان و هندوها (Mohammadi and Ahmadi,2017:313).

### رویکرد و سیاست‌های ضیاءالحق

با وقوع انقلاب در ایران، قدرت‌یابی شیعه در ایران یا به عبارتی برخوردار شدن آنان از ماهیت ایدئولوژیک، باعث شد تا حوزه نفوذ ایران در مناطق پیرامونی گسترش یابد (Ahmadi and Lotfi,2010:119). پاکستان نیز به عنوان همسایه بزرگ شرقی ایران کشوری بود که با سرعت از گسترش و عمق انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفت و جریان ریشه‌دار احیاء اسلامی به ویژه در میان شیعیان آشکارا خود را نشان داد. این تأثیرپذیری باعث شد که ضیاءالحق، انقلاب اسلامی ایران را به حمایت از شیعیان پاکستان متهم کند. از این رو احیای تفکر سنی افراطی از طرف ضیاء-الحق گزینه‌ای مؤثر برای خنثی کردن نفوذ انقلاب ایران بود. او دامن زدن به جریان‌های دینی اهل سنت را راهی برای

مهار موج اسلام سیاسی شیعه از ناحیه ایران می‌دانست؛ زیرا در سطح خارجی، ایران در مقابل پاکستانی قرار می‌گرفت که با اکثریت سنی، خواهان حفظ وضعیت موجود در منطقه خاورمیانه و بویژه خلیج فارس بود. به طور کلی در دوران رئیس جمهوری ضیاءالحق در پاکستان یکی از شدیدترین نوع شیعه ستیزی علیه شیعیان به نمایش گذاشته شد؛ به طوری که بیش از ۸۰ هزار سنی تندرو به روستاهای شیعه‌نشین داروت، بونجی، جاگلو، جلالآباد، پاری و ماناوار حمله کرده و آنان را ویران ساختند. در دوره‌های بعد وجود چنین تفکراتی، باعث شکل‌گیری و اعلام وجود گروه‌هایی در درون جامعه اهل سنت پاکستان شد (Arefi, 2003: 125).

### تجزیه و تحلیل

وقوع انقلاب اسلامی در ایران که پیوندی عمیق با مبانی متعالی تشیع دارد یکی از رخداد‌های بزرگ نیمه دوم سده بیستم بود که باعث ایجاد تغییرات و تحولات فراوانی در کشورهای منطقه و نیز در ساختار قدرت جهانی شد. پیروزی انقلاب اسلامی خون تازه‌ای در رگ‌های شیعیان دمید و به پشتوانه ایران شیعی هویت‌یابی آنها در منطقه آغاز گردید. از آن پس تشیع فقط یک مذهب نبود بلکه به عنوان یک مؤلفه‌ی ژئوپولیتیک نظر اندیش‌مندان را به خود جلب کرد. کشور پاکستان به دلیل همجواری با ایران، وجود میراث مشترک فرهنگی- مذهبی و جمعیت فراوان شیعیان، تأثیرات زیادی از انقلاب ایران پذیرفت. می‌توان گفت که انقلاب ایران موج حیات سیاسی- اجتماعی و سیاسی و تشکیلاتی شدن شیعیان پاکستان شد. تأثیر الهام بخش انقلاب اسلامی که به افزایش آگاهی و پویایی جامعه اسلامی انجامید، شیعیان را از یک دوره طولانی فترت و سستی بیدار ساخته و هویت تازه‌ای به آنان بخشید. آنچه توانسته است موقعیت ایران را در خاک پاکستان تقویت کند، حضور فعال و تقویت شیعیان پاکستان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی است. دولت‌های پاکستان به تناسب احساس خطر از ناحیه شیعیان این کشور سعی کرده‌اند رفتار سیاسی خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که از شورش و خیزش مردمی شیعیان جلوگیری شود.

بر مبنای مؤلفه‌ی تشیع، دو کشور ایران و پاکستان پیرامون روابط ژئوکالچر خود دارای عوامل همگرا و واگرای متعددی می‌باشند. از جمله این عوامل همگرا عبارتند از: ۱. قوم بلوچ ایران و پاکستان در سه متغیر مذهب زبان و قومیت با یکدیگر تجانس دارند؛ ترکیب این سه متغیر همسو بر همگرایی دو بخش بلوچ نشین ایران و پاکستان تأثیر گذاشته است؛ ۲. زبان و ادب فارسی از جمله عوامل بسیار مؤثر در روابط فرهنگی دو کشور ایران و پاکستان است، نفوذ این زبان و ادبیات به حدی است که سرود ملی پاکستان کاملاً فارسی است؛ ۳. تشیع در شبه‌قاره هند و پاکستان، سابقه‌ی طولانی و پیروان بسیاری دارد. حکومت‌های متعدد شیعی مذهب در این مناطق روی کار آمدند، مراکز بی‌شمار علمی و دینی شیعه تأسیس شد، و در پرتو فعالیت‌های علمی، مذهبی و سیاسی، تعداد کثیری از بزرگان شیعه تربیت یافتند و تحت سرپرستی آنان، کتاب‌های گرانقدری به رشته تحریر در آمد؛ ۴. تأثیرگذاری عامل مذهب و ایدئولوژی هنگامی در مناسبات تهران- اسلام آباد زمانی مطرح شد که انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ در ایران به وقوع پیوست. انقلابی که با برقراری پیوندی ناگسستنی میان مذهب شیعه و سیاست در قابل نظام حکومتی جمهوری اسلامی و شکل‌گیری گفتمان اسلام‌گرایی انقلابی، نظام‌های مدرن سکولار را در سال‌های منتهی به پایان قرن بیستم به چالش طلبیده بود؛ ۵. شیعیان پاکستان قبل از انقلاب اسلامی ایران شیعه بودن خود را مخفی می‌کردند، به دنبال انقلاب اسلامی ایران از یک سو ارتباط شیعیان پاکستان با حوزه‌های علمیه افزایش یافت و بدین ترتیب به طور

نسبی آگاهی مذهبی عمیق‌تری پیدا کردند و از سوی دیگر اعتقاد به نفس لازم در آنها پدید آمد، ۶. نهاد مرجعیت شیعه، یک نهاد هزار ساله است. ویژگی‌های اصلی این نهاد، یکی پذیرفتن اجتهاد است که شیعه در برابر اهل سنت باب اجتهاد را باز گذاشت و دوم استقلال از حکومت‌ها. با تکیه بر نقش مرجعیت و رهبری است که شیعیان نیروهای اجتماعی در میان گروه‌های اسلام‌گرا در درون جوامع عربی محسوب می‌شوند به گونه‌ای که از یک سو با دارا بودن آموزه‌های آیینی و تحت تأثیر نهضت امام حسین (ع) و اسطوره‌های خود از انگیزه‌های انقلابی و عدالت‌گرایانه برخوردارند و از سوی دیگر به دلیل شرایط تبعیض‌آمیز سیاسی - اجتماعی در ساختار قدرت این کشورها، زمینه‌های باز تولید هویت جمعی آنان و تحول‌خواهی به منظور تغییر شرایط موجود به وضعیت مطلوب در میان آنان وجود دارد.

همچنین تعدادی از این عوامل واگرا عبارتند از: ۱. منازعات شیعه و سنی قبل از تأسیس کشور پاکستان، تقریباً امری ناشناخته بود. همچنین حکمرانی راجه‌ها در فاصله سالهای ۱۸۵۷ تا ۱۹۴۷ م بر شبه‌قاره، مانع مواجه شیعه و سنی شده بود. اما واکنش فرقه‌های سنی و دولت پاکستان به تأثیرات حاصل آمده از پیروزی انقلاب اسلامی در پاکستان، از یک طرف و با عکس‌العمل شدید عربستان سعودی، عراق و کویت از طرف دیگر، فضای حاکم بر جامعه را به شدت ملتهب نمود؛ ۲. عربستان سعودی به انحای مختلف به دنبال نفوذ در پاکستان جهت مقابله با شیعیان و ایجاد مانع جهت نفوذ ایران در این کشور بوده است. پاکستان به دو دلیل فقر فرهنگی و نفوذ روحانیون متعصب و مخالف شیعه، از عمده‌ترین مراکز تبلیغ وهابیت در میان کشورهای اسلامی است. گروه‌های پاکستانی وهابی مذهب، گاه به صورت حزب سیاسی، با نفوذ در دولت و گاه به صورت گروه‌های فرقه‌گرای تروریستی و گاه به صورت حزب سیاسی با نفوذ در دولت و گاه به صورت گروه‌های فرقه‌گرای تروریستی و گاه به صورت فعالیت فرهنگی عمل می‌کنند؛ ۳. افراطی‌گری مبتنی بر مذهب است، اما مذهب افراط‌گراها همان مذهب عموم مردم نیست. این مذهب بنا به مقاصد سیاسی دستکاری شده و خصلتی آرمانی پیدا کرده است. به طور کلی تجربیات تاریخی نشانگر آن است که گروه‌های افراطی فعال در پاکستان دارای انواع ظرفیت‌های تهدیدزا علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران هستند؛ ۴. تأثیرپذیری شیعیان پاکستان از انقلاب اسلامی ایران باعث شد که ضیاءالحق رییس جمهوری وقت، انقلاب اسلامی ایران را به حمایت از شیعیان پاکستان متهم کند. از این رو احیای تفکر سنی افراطی از طرف ضیاء-الحق، گزینه‌ای مؤثر برای خنثی کردن نفوذ انقلاب ایران بود. او دامن زدن به جریان‌های دینی اهل سنت را راهی برای مهار موج اسلام سیاسی شیعه از ناحیه ایران می‌دانست.

### نتیجه‌گیری

امروزه مذهب شیعه در عرصه جهانی به خصوص جهان اسلام به عنوان مذهبی تأثیرگذار بر تحولات سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی مسلمانان شناخته می‌شود. در حال حاضر جمعیت مسلمانان جهان به بیش از یک میلیارد نفر رسیده است و بر اساس آماري که از منابع مختلف ارائه گردیده شیعیان حداقل حدود پانزده درصد این جمعیت را تشکیل می‌دهند و مذهب تشیع در مناسبات سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی کشورها تأثیرگذار بوده است. وقوع انقلاب اسلامی در ایران که پیوندی عمیق با مبانی متعالی تشیع دارد یکی از رخداد‌های بزرگ نیمه دوم سده بیستم بود که باعث ایجاد تغییرات و تحولات فراوانی در کشورهای منطقه و نیز در ساختار قدرت جهانی شد.

پیروزی انقلاب اسلامی، خون تازه‌ای در رگ‌های شیعیان دمید و به پشتوانه ایران شیعی هویت‌یابی آنها در منطقه آغاز گردید. از آن پس تشیع فقط یک مذهب نبود بلکه به عنوان یک مؤلفه‌ی ژئوپولیتیک نظر اندیشمندان را به خود جلب کرد. پیروزی انقلاب اسلامی خون تازه‌ای در رگ‌های شیعه دواند و به پشتوانه ایران، هویت‌یابی‌شان در منطقه آغاز شد و دیگر تنها یک مذهب صرف نبود بلکه به عنوان ژئوپولیتیک شیعه نظر صاحب‌نظران سیاسی را به خود جلب نموده باعث تحولی در شیوه عمل و چگونگی تعیین اهداف تشیع شد که هدف آن ایجاد نوعی تحرک سیاسی و ظلم ستیزی بود. در فرایند انقلاب اسلامی، اسلام شیعی به مثابه ایدئولوژی راهنمای عمل و رهایی بخش، جلوه‌گر شد. انقلاب اسلامی ایران با تلاش مجتهد بزرگ جهان تشیع و تکیه بر سکوی دین، به زنده شدن دین و مذهب جوامع مختلف کمک بزرگی نمود.

در بین کشورهای همسایه، کشور پاکستان به دلیل همجواری با ایران، وجود میراث مشترک فرهنگی - مذهبی و جمعیت فراوان شیعیان، تأثیرات زیادی از انقلاب ایران پذیرفت. می‌توان گفت که انقلاب ایران موج حیای حیات سیاسی - اجتماعی و سیاسی و تشکیلاتی شدن شیعیان پاکستان شد. تأثیر الهام بخش انقلاب اسلامی که به افزایش آگاهی و پویایی جامعه اسلامی انجامید، شیعیان را از یک دوره طولانی فترت و سستی بیدار ساخته و هویت تازه‌ای به آنان بخشید. ایران و پاکستان در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی مختلفی با هم همکاری دارند؛ شیعیان پاکستان که سخت در مذهب خود متعصب‌اند، از ایران فرمان‌پذیری دارند. آنچه توانسته است موقعیت ایران را در خاک پاکستان تقویت کند، حضور فعال و تقویت شده شیعیان پاکستان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی است. دولت‌های پاکستان به تناسب احساس خطر از ناحیه شیعیان این کشور سعی کرده‌اند رفتار سیاسی خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که از شورش و خیزش مردمی شیعیان جلوگیری شود. لاجرم با توجه به یافته‌های تحقیق، از دیدگاه ژئوکالچر، روابط ایران و پاکستان، تحت تأثیر عوامل فرهنگی است که در این میان، نقش مذهب شیعه و روابط فرهنگی دو کشور، تحت تأثیر این مقوله قرار گرفته است. در پایان، راهکارهای زیر در راستای تقویت بیشتر روابط دو کشور مطرح می‌گردند:

۱. نگاه بدون تعصب و به دور از هر گونه پیشداوری از سوی دولتهای هر دو کشور، به پیروان مذهب شیعه و سنی، و اجازه حضور گسترده آنها در سطوح بالای اجتماعی - سیاسی؛
۲. تحت تأثیر دخالت‌های دیگر کشورهای همسایه در زمینه مذهبی قرار نگیرند به ویژه این مسأله از سوی پاکستان که تحت تأثیر نفوذ عربستان سعودی قرار دارد، مورد توجه قرار بگیرد؛
۳. استفاده از پیروان مذهب شیعه و سنی، در سطوح سیاسی مثلاً در پست‌های سفیر و دیگر نمایندگان دولتی در هر دو کشور؛
۴. با استفاده از وزن ژئوپولیتیکی شیعیان در خاورمیانه، به عنوان عاملی در راستای تقویت دیگر روابط فرهنگی با کشورهای شیعه‌نشین دیگر مانند آذربایجان و عراق، اقدام کنند.

## References

- Abdi, Ataollah. (2012). Theoretical framework for designing geopolitical models of ethnic groups, Proceedings of the 5th Congress of the Iranian Geopolitics Association Islamic Azad University, Rasht. [In Persian]

- Ahmadi, Seyed Abbas. (2011). Iran, Islamic Revolution and Shiite Geopolitics, Tehran, Andishe Sazan e Noor Publishing [In Persian]
- Ahmadi, Seyed Abbas and Lotfi, Heidar. (2010). Islamic Revolution and the International role of Iran in the region, New attitudes in human geography (human geography):, Volume 2, No 2, Spring [In Persian]
- Ahmadi, Seyed Abbas and Moosavi, Elham Sadat. (2010). Shia Geography and Opportunities in the Shiite Territories of the Islamic World, Proceedings of the Fourth International Congress of Geographers of the World of Islam [In Persian]
- Alam, Shah. (2004). Iran-Pakistan Relations: Political and Strategic Dimensions, STRATEGIC ANALYSIS, October, Volume 28, Issue 4, October
- Arefi, Mohammad Akram. (2003). Islamic Movement of Pakistan, Investigating Failure to Build Islamic System, Qom, Book Garden [In Persian]
- Arefi, Mohammad Akram. (2006). Pakistan Shiites, Qom: Shiite Institute [In Persian]
- Ashrafi, Morteza. (2012). Islamic Revolution and Islamic Awakening, Ekram Publishing [In Persian]
- Ataei, Farhad and Shahvand, Shahrard. (2012). Sectarian Extremism in Pakistan (2001-1979), Political Science Political Science Research. No. 2. pp. 103-86 [In Persian]
- Bagheri, Esmaeil. (2014). Pathology of the Shiites in Pakistan with an Emphasis on the Wahdat Muslim Party, Regional Studies New Volume, No. 14, Winter [In Persian]
- Darvishi Setalani, Farhad and Mozafari, Samira. (2018). Investigating the Factors Influencing the Bravia Reliance of Iran-Egypt Relations (1979-2013) The Political World Political Studies Quarterly, Seventh, No. 25, Spring [In Persian]
- Ferdos, Seyede Nekhat. (2011). Persian Unbreakable Link in Pakistan, Tehran University Monthly, No. 16 [In Persian]
- Ghafoori, Mahmood and Davand, Mohammad. (2015). Analysis of the Threats of Government and Pakistani Society against National Security of the Islamic Republic of Iran, Quarterly Journal of Subcontinent Studies, Sixth Year, No. 18, pp. 89-116 [In Persian]
- Haddede Adel, Gholamali. (2014). Pakistan and Farsi, available at <http://haddadadel.ir> [In Persian]
- Hafez nia, Mohammadreza and Ahmadi, Seyed Abbas. (2009). Geopolitical Explanation of the Influence of the Islamic Revolution on the Shiites' Politicalization in the World, Shi'ite Quarterly, No. 25, Pages 73 to 110, Spring [In Persian]
- Hafez nia, Mohammadreza. (2011). Principles and Concepts of Geopolitics, Papeli Publications, Mashhad. [In Persian]
- Hafez nia, Mohammadreza. (2002). Political Geography of Iran, Tehran, SAMT Publishing [In Persian]
- Hamidi, Somayeh and Ashragh Gil, Fatemeh. (2016). Examination of Iran-Pakistan foreign relations in the light of the international system during the years 1979-1947. Foreign Relations History Series, Year 17, No. 67, Summer, pp. 151-135 [In Persian]
- Hass, Ernest. (1994). Beyond the Nation-state. California. Standford University Press. P:44.
- Jafariarn, Rasool. (2010). Shia Atlas, Tehran, Geographic Organization of the Armed Forces [In Persian]
- Jamali, Javad. (2009). Semantics of anti-Semitic violence in Pakistan, Journal of Regional Studies of the Islamic World, 37: 133-144 [In Persian]
- Jamali, Javad. (2011). Extremism in Pakistan, First Edition, Andishe Sazane Noor Publications, Tehran. [In Persian]
- Javdani Moghadam, Mahdi and Nasoorian, Mohammad Mahdi. (2009). The Role of the Islamic Revolution in Iran in Shiite Collective Identity in the Middle East, Quarterly Journal, No. 9, 99-112 [In Persian]
- Kahrazah, Yaser et al. (2017). Security Challenges for Iran-Pakistan Relations in the Balochistan Region after September 11th, Quarterly Survey of Sub-Continent Studies of Sistan and Baluchestan University, Ninth, No. 32, Autumn [In Persian]
- Khalili, Mohsen et al. (2013). Geo-political jingang and non-Iranian politics. Case study: Pakistan and Iran, Quarterly Journal of Subcontinent Studies, Volume 5, Issue 17, Winter [In Persian]
- Kamran, Hasan. (2013). Impact of Islamic Revolution of Iran on Pakistani Shiites Based on Broadcast Theory, Journal of Geography, Vol. 11, No. 37, Pages 71-95 [In Persian]



- Kaviani rad, Morad et al. (2017). Geopolitical Explanation of Competitive Structures in Southeast Iran, Geography Quarterly (Regional Planning), Seventh, No. 3 Summer. Pp. 216-203. [In Persian]
- Mahkouii, Hojat and Bavir, Hasan. (2016). Shiite Geopolitics and Its Role in Iran-Pakistan Relationships, Journal of Political Studies, Islamic World, Volume 5, Issue 18, Summer [In Persian]
- Mahkouii, Hojat. (2012). Explaining the Role of Religion from a Geopolitical Perspective in the Middle East; A Case Study: Shiite Religion, Middle East Studies, No. 69, Summer [In Persian]
- Masood nia, Hosein and Najafi, Davood. (2011). Factors Influencing the Formation and Development of Fundamentalism in Pakistan, Quarterly Journal of Subcontinent Studies, Volume 3, Issue 8, Autumn, pp. 66-83. [In Persian]
- Milani, Jamil and esmaeili, Mohammad Taghi. (2014). The theory of broadcasting and reflecting the Islamic Revolution of Iran on Pakistan, Islamic Revolution Studies, Vol. 11, No. 38, Autumn [In Persian]
- Mohammadi, Hamidreza and Ahmadi, Ebrahim. (2015). Divergence in Iranian-Pakistani Relations with Emphasis on Religious Extremism, 27th International Political Studies Series, Fourteenth, No. 14, pp. 143-168 [In Persian]
- Mohammadi, Hamidreza and Ahmadi, Ebrahim. (2015). A Study of the Convergence Grounds of Iran and Pakistan (Explanation of Three Geocalctic, Geo-Kenomic, Geocalctic Approaches) Geosciences Quarterly Journal of the Islamic World, Vol. 5, No. 2, Summer [In Persian]
- Mohammadi, Hamidreza and Ahmadi, Ebrahim. (2016). Two-level geopolitical analysis of the divergence of Iran-Pakistan relations (Future scenarios of these relations and proposed convergence strategies), Journal of Strategic Policy Studies, Vol. 5, No. 19, Winter [In Persian]
- Moosavi, Masood. (2010). Exploring the Positions and Practices of Pakistan in the Iraq War with Iran, Negin Quarterly, No. 33, 63-88 [In Persian]
- Mohammadi, Hamidreza and Ahmadi, Ebrahim. (2017). Explaining the Geopolitical Model of Iran-Pakistan Relationships, Human Geography Researches, Volume 49, Issue 2, Summer, pp. 307-323 [In Persian]
- Mushahid, Hussain. (1993). Pakistan-Iran Relations in the changing world scenario: challenges and Response, in tarik join, al, eds., Foreignpolicy Debate: The years Ahead (Islam a bad: In statute of policy studies), PP: 215-90
- Naderi, Ahmad. (2016). From state-centered geopolitics to civilization-oriented geocalcity; Middle East in the battleground of civilizations. Two research papers on soft power studies, Spring & Summer, No. 10 [In Persian]
- Pishgahi Fard, Zahra and Ghodsi, Amir. (2008). Investigating and Analyzing Pakistan's Geopolitical Features and Its Role in Relations with Other Countries, Geographic Research Quarterly, No. 63, pp. 81-99 [In Persian]
- Pishgahi Fard, Zahra et al. (2015). Shiite Geopolitics and Iranian Territory in the Eastern Mediterranean, Shi'ite Quarterly, Volume 13, Issue 49, Summer
- Rafi, Hosein. (2015). The Effect of Wahhabi Influence in Pakistan on Iran's Relations with the Islamic Republic of Iran, International Relations Study (International Relations), Volume 8, Issue 32, Winter, pp. 1-21-177 [In Persian]
- Rahimi, Hasan. (2013). Geopolitical Theories, First Edition, Selection Publishing, Tehran [In Persian]
- Rahman, T. (1999). Declines of Persian In British India, Journal south, Asia, Vo1. XXII, NO1. PP:41-62.
- Rashidi, Ahmad and Shah ghale, Safiollah. (2012). The Basis of Intellectualism, Pakistan's Taliban Anti-Shiite, Journal of Political Studies, Islamic World, Year 1, Issue 2, Summer [In Persian]
- Roshan, Aliasghar and Farhadia, noorollah. (2006). Dictionary of Political and Military Geography, First Edition, Tehran, Imam Hossein University Press [In Persian]
- Safavi, Seyed Yahya. (2008). Unity of the Islamic World, Tehran, Shakib Publication, First Edition. [In Persian]
- Sajadpoor, Kazem and Karimi Ghahroodi, Maede. (2011). Indo-Pakistani Nuclear Competitions and its Consequences for Iran's National Security, Strategic Studies Quarterly, Fourteenth, No. 4, pp. 258-227. [In Persian]

- Sial, Safdar. (2015). An analysis of emerging Pakistani-Iranian ties, Norwegian Peacebuilding Resource Center, <https://www.files.ethz.ch>, April
- Simbar, Reza et al. (2016). An Analysis of the Nature of Iran-Pakistan Relations (1985-2015). Political World Literacy Quarterly, Vol 5, No. 20, Winter, pp. 98-67. [In Persian]
- Shahbazi, Mohammad Bagher. (1990). A brief overview of the current situation of the Shiites in Pakistan, the Islamic Republic of Iran's Dictionary, p. 1989 [In Persian]
- Vaezi, Mahmood. (2008). Security Security in Iraq, Actors and Approaches, Diplomatic Hometown, No. 24. [In Persian]
- Yazdan panah kiomars and Bayat, Hamidreza. (2015). Geopolitical Elements Affecting the Convergence among the Countries of Iran, India, Pakistan and Afghanistan and Its Influence on the Southern Regions (A Comparative Method of Using the Cantor and SPIEGEL Theory), Geographical Quarterly (Regional Planning), Volume 19, Issue 1, Summer. [In Persian]
- Zaki, Yashar et al. (2016). Geopolitical Competition JA Iran and Saudi Arabia in Southwest Asia, articles on the geopolitical crises of the Islamic world [In Persian]
- Zare, Sedigheh and Ahmadi, Hamid. (2015). The Political Revival of Shiites and the Sectarian Conflicts in the Middle East, Quarterly Journal of International Relations Studies, Vol. 1, No. 19, pp. 15-54. [In Persian]
- Zargar, Ali Asghar. (2012). Analysis of security challenges in the border regions of Iran and Pakistan, Proceedings of the National Conference on Border Cities and Challenges, Challenges and Approaches, Sistan and Baluchestan University, April 30, [In Persian]
- Zeinalabedin, Yosef. (2012). The Role of Culture in Iran's Central and Central Asia, Major Khorasan Magazine, Year 4, No. 10, Spring. [In Persian]
- <http://www.isrjournals.com>  
<http://www.irna.ir>  
<http://www.cia.gov>  
[www.mouood.org](http://www.mouood.org)

